

سیاست اصولی خود مبنی بر تعمیق رابطه با همسایگان تأکید نمود و بویژه با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر منطقه نشان داد که تمایلی به تشدید اختلافات وجود ندارد. از این رو امیرعبداللهیان در جریان نخستین حضورش در سازمان ملل پیشنهاد «گفت‌وگوهای درون منطقه‌ای» را مطرح کرد؛ پیشنهادی که سمت و سوی خود را در مسیر کاستن از اختلافات و یافتن زمینه‌های مشترک همگرایی با مشارکت همه کشورهای منطقه خاورمیانه جست‌وجو می‌کرد. فعال شدن کانال دیپلماسی مستمر میان تهران و پایتخت‌های عربی متناظر به چنین رویکردی است. واقعیتی که مثبت‌ترین وجه آن را باید در عزم ایران برای بهره‌برداری از موازنه جدید در جهت ایجاد امنیت و ثبات منطقه‌ای و ترغیب همسایگان به حل اختلافات و بحران‌ها از مسیر تعامل و گفت‌وگو جست و جو کرد؛ همان طور که رئیس دولت سیزدهم تأکید کرده است که راه حل مشکلات منطقه تنها از طریق گفت‌وگو امکان پذیر است.

### ابتکار عمل در بحران افغانستان

این دیپلماسی پرتحرک در حالی به جریان افتاد که دولت سیزدهم در همان آغاز با مجموعه‌ای از تحولات پرشتاب از جمله سقوط دولت اشرف غنی در افغانستان و تسلط گروه طالبان رو به رو شد. این در حالی بود که پیگیری مستمر گفت‌وگوهایی که مشخصاً از سوی وزارت خارجه و نماینده ویژه رئیس جمهور کشورمان بعد از فروپاشی دولت وقت در کابل و قدرت گرفتن گروه طالبان در افغانستان در دستور کار قرار گرفت، سبب شد که توجهات دیگر کشورها برای کاهش پیامدهای این بحران و ممانعت از تسری آن به همسایگان متوجه تلاش‌های دیپلماتیک ایران شود.

### بازگشت ابوظبی

سیاست مبتکرانه و واقع‌گرایانه منطقه‌ای در حالی از سوی رئیس جمهور در دستور کار قرار گرفت که مجموعه رویدادهایی در منطقه سبب شکل‌گیری معادلات حاکم بر مناسبات میان کشورهای عربی با جمهوری اسلامی شد. کم‌رنگ شدن حمایت آمریکا از متحدان منطقه‌ای اش اگرچه از اواخر دوره «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور پیشین آمریکا و بویژه بعد از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو و ناتوانی آمریکا از پشتیبانی عربستان دیده می‌شد اما این روند کمی بعد با ریاست جمهوری «جو بایدن» تقویت شد. خاصه آنکه آمریکا در منطقه غرب آسیا راهبرد خروج تدریجی را در پیش گرفت و درصدد برآمد بسیاری از مأموریت‌های خود در این حوزه را برون سپاری کند. با بروز چنین تحولاتی حصر قطر از سوی جبهه ائتلافی به رهبری عربستان پایان یافت و اختلافات در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کاهش پیدا کرد، تماس‌هایی بین مصر و ترکیه از یک سو و عربستان و ترکیه انجام شد و «طحنون بن زاید»، مشاور امنیت ملی امارات هم به تهران

**آغاز به کار دولت سیزدهم و تبیین سیاست خارجی آن در منطقه پرچالش غرب آسیا و تأکید بر اینکه امنیت جمعی بخش اصلی دکترین سیاست خارجی ایران خواهد بود، شکل‌گیری نظریه‌ای را رقم زده که دولت از آغاز کار برای تبدیل کردن آن به یک الگوواره در روابط منطقه غرب آسیا اقداماتی جدی را در دستور کار خود قرار داده است هر چند برخی در آغاز، این دیدگاه را تعارفی برای همگرایی و احتمالاً خوش آمد مقام‌های عربی منطقه تلقی کردند اما در ماه‌های بعد، پیگیری رویکردی که تهران به موازات ازسرگیری مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین در قبال کشورهای همسایه و عربی منطقه در پیش گرفت، نشان از آن داشت که این نظریه تعارف نیست؛ بلکه یک راهبرد و تصمیم جدی سیاسی است**

از رویکرد سیاست خارجی دولت رئیسی و دریافت این واقعیت که دولت امریکا بواسطه عللی همچون شکست در برابر رشته سیاست‌های منطقه‌ای ایران در سال‌های گذشته و همچنین تقابل اقتصادی با چین، توانایی حضور و مداخله حداکثری در مسائل منطقه غرب آسیا را ندارد، امارات را متوجه آن کرد که دیگر از حمایت‌های بی‌دریغ این قدرت فرامنطقه‌ای خبری نیست و این کشور نیز باید مانند سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس، خود به فکر ساز و کارهایی برای تنظیم و بهبود روابط با کشورهای همسایه‌اش باشد؛ امری که ایران بارها در دعوت خود از کشورهای منطقه برای تأمین امنیت درون منطقه‌ای به آن توجه نشان داده بود. این چنین بود که تلاش ابوظبی برای تغییر راهبرد خود مبنی بر چرخش از رویکرد مبتنی بر بهره‌گیری از دلارهای نفتی و قدرت نظامی برای حمایت از متحدان و تضعیف مخالفان به سمت و سوی دیپلماسی اقتصادی توجه بسیاری از ناظران را به سوی خود جلب کرد. این دگرگونی بویژه در خصوص تهران و پس از سفر ناکام رئیس جمهور امریکا به عربستان، سبب شد ابوظبی در روزهای اخیر اعلام کند که قصد دارد با تعیین سفیر جدید خود در تهران، سطح رابطه با کشورمان را در بالاترین سطح دیپلماتیک به جریان بیندازد.

### تغییر رویکرد عربستان و شروع مذاکرات

یکی از موضوعات مهم و بحرانی منطقه که ذیل رویکرد دولت سیزدهم راهی برای آن گشوده شد، موضوع بهبود نسبی روابط با عربستان بود. رابطه دیپلماتیک تهران و ریاض در دی ماه ۱۳۹۴ و پس از حکم مقام‌های سعودی به اعدام «شیخ نمر باقر النمر»، روحانی شیعه متوقف شد و در ماه‌های اخیر در حالی که تصور می‌شد، اراده‌ای برای ترمیم این رابطه شکل گرفته است، مذاکراتی در سطوح بالای دو کشور آغاز شد.

پیش از آن، روی خوش به مداخله کشورهای صاحب قدرت خارج از منطقه که همواره منافع خود را بواسطه فراهم آمدن زمینه رقابت‌های تسلیحاتی و به جیب زدن دلارهای نفتی در تقویت اختلافات و تنش‌های این منطقه یافته‌اند، صف بندی‌های کاذب در منطقه و ایجاد گسل‌های تنش‌زا در منطقه از جمله رفتارهای ماجراجویانه ولیعهد سعودی بود که در سال‌های اخیر تا پای خوش رقصی در بازار شناور نفت هم پیش رفت و حتی امنیت انرژی و منطقه را گروگان همپیمانی پوشالی ریاض و واشنگتن گرفت. این قرابت، داروی توهم زایی بود که بر تندی مواضع و اظهارات مقامات عربستان از جمله «محمد بن سلمان»، علیه ایران می‌افزود، بی‌آنکه حمایتی از سوی شرکای غربی پشت این اظهارات تهدیدآمیز باشد. در همراهی عربستان با آمریکا علیه ایران تنها می‌شد به دلایلی همچون کمک «ترامپ» به «بن سلمان» برای عبور از رسوایی قتل وحشیانه «جمال خاشقجی»، روزنامه‌نگار